

# مجموعه اشعار شادروان استاد ( از کتاب ( گلزمین وفا " سید محمد " دروگر

سنبله 1382 شبرغان 15

## آب گهر

آدم شده اغوا و ز شیطان گله دارد

ابلیس ز شیادی انسان گله دارد

گاهی که به خلوتکده راز در آیند

راضی زهمند آه ز یزدان گله دارد

کس واقف اسرار ازل نیست زبان بند

گلزار خلیل از شررستان گله دارد

اوهام خیال آئینه جلوه عنقااست

نادیده سرابش دل حیران گله دارد

افسرد گلستان دلم دردم پیری

بیهوده ز سرمای زمستان گله دارد

طفل از اثر شوخی خود گرید و خندد

آغوش بر آشفته و دامان گله دارد

بی مهر جفا پرور من یاد تو باشد

دارد از تفت دلم ریگ بیابان گله

عمری به رهت آب گهر ریخت دو چشم

دارد زین بذل عبث مردم چشمان گله

آسیمه و واسواس فراگیر حیات است

. دل لرزان گله دارد " دروگر " از وضع

ارسالی : داکتر عزیز فاریابی